

به نام خدا

# ژئوپلیتیک رسانه

مؤلف :

دکتر حسن باویر

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.i

سرشناسه: باویر، حسن، ۱۳۵۴ -  
عنوان و نام پدیدآور: ژئوپلیتیک رسانه/ مولف حسن باویر.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۲۲ص.: جدول، نمودار.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۳۲-۳  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۰ - ۱۲۲.  
موضوع: رسانه‌های گروهی -- تاثیر  
Mass media -- Influence  
رسانه‌های گروهی و سیاست جهانی  
Mass media and world politics  
رده بندی کنگره: P۹۴  
رده بندی دیویی: ۳۰۲/۲۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۲۸۶۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: ژئوپلیتیک رسانه  
مولف: دکتر حسن باویر  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۳۲-۳  
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



# فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۷	مقدمه .....
۹	فصل اول : کلیات .....
۱۱	ژئوپلیتیک .....
۱۴	رویکردهای ژئوپلیتیکی رسانه .....
۱۸	ژئوپلیتیک کلاسیک .....
۲۱	بازیگران نوظهور ژئوپلیتیک .....
۲۴	گذار از ژئوپلیتیک مدرن به ژئوپلیتیک پست مدرن .....
۲۵	ارتباطات .....
۲۶	انواع ارتباط .....
۲۸	عناصر ارتباطات .....
۲۹	رسانه .....
۳۰	انواع رسانه ها .....
۳۱	کارکرد رسانه های جمعی .....

۳۳	..... رسانه‌های نوظهور
۳۵	..... شبکه‌های اجتماعی
۳۵	..... تفاوت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی
۳۷	..... ویژگی شبکه‌های اجتماعی
۳۹	..... اهداف شبکه‌های اجتماعی
۴۱	..... <b>فصل دوم : حاکمیت رسانه</b>
۴۳	..... حاکمیت رسانه
۴۵	..... اجزاء و سیستم‌های ارتباطات بین الملل
۴۸	..... عصر دیجیتالی شدن
۵۰	..... رسانه‌ها و ارتباطات سیاسی
۵۲	..... رسانه و حاکمیت ملی
۵۳	..... فضای مجازی و ارتباطات سیاسی
۵۶	..... دیپلماسی و رسانه
۵۸	..... رسانه و تصمیم‌سازی سیاست خارجی
۶۰	..... رسانه و صلح
۶۳	..... <b>فصل سوم : قدرت و رسانه</b>
۶۵	..... قدرت و رسانه
۶۹	..... رسانه و جنگ‌های نوظهور
۷۳	..... روش‌های جنگ رسانه‌ای

۷۴	ابزارهای جنگ رسانه ای
۷۴	جنگ نرم
۷۶	رسانه و جنگ نرم
۷۷	اهداف جنگ نرم
۷۹	راه‌های مقابله با جنگ نرم
۸۰	جنگ ترکیبی
۸۱	ویژگی جنگ‌های ترکیبی
۸۲	ابزارهای جنگ ترکیبی
۸۲	رسانه و جنگ ترکیبی
۸۴	روش‌های مقابله با تهدیدات ترکیبی
۸۷	<b>فصل چهارم: ژئوپلیتیک رسانه</b>
۸۹	ژئوپلیتیک ارتباطات
۹۱	رابطه جغرافیا و ارتباطات
۹۳	هویت مجازی در عصر رسانه‌ها
۹۶	شبکه‌های اجتماعی و فضای جغرافیایی
۹۹	رسانه و مدیریت وجهه بین‌المللی
۱۰۱	ارتباطات و قدرت
۱۰۲	رسانه و توازن جدید قدرت
۱۰۴	تصویر سازی ژئوپلیتیک
۱۰۷	اطلاعات و ژئوپلیتیک رسانه

---

۱۱۰	.....	منابع و مأخذ
۱۱۰	.....	منبع فارسی
۱۲۰	.....	سایت ها
۱۲۱	.....	منابع لاتین

## مقدمه

اغراق نیست اگر گفته شود انسان معاصر محکوم به جبر تکنولوژیک است و انسان مدرن برای پیشبرد اهداف خود مجبور به بکارگیری ابزارهای تکنولوژیک است. کشف میزان ارتباط و تاثیرگذاری تکنولوژی بر حوضه‌های انسانی، امری است که با تفکیک شاخه‌های مختلف و نیز تطابق آن با علوم مختلف قابل بحث خواهد بود. جغرافیا به عنوان علمی که از گذشته تاکنون همراه انسان بوده، با ظهور ابعاد تکنولوژیک تحت تاثیر قرار گرفته و مباحثی نو در این علم نمایان شده است.

تفکر انتقادی به جغرافیا به خصوص در اواسط قرن بیستم باعث شد تا دیدگاه‌های سنتی و طبیعت محور که عموماً نشأت گرفته از تفکرات جبرمحور بودند، جای خود را به گرایشات نو و انسان گرا عرصه‌ی جغرافیا بدهند. این بدان معنا نیست که نقش جغرافیای طبیعی کم رنگ شده باشد بلکه در افق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در ذهن جغرافیدانان دیدگاه‌های جدیدی که در بر گیرنده‌ی تاثیرات اجتماعی می باشد ظهور یافت.

بر این اساس تعامل میان ساختارهای جامعه و تکنولوژی بستر ساز ظهور فضایی است که در آن ملت‌ها و دولت‌ها نقش‌های جدیدی ایفا می نمایند، و تکنولوژی در تعیین مسیر جامعه تأثیرگذار است و جامعه نیز مسیر تحولات تکنولوژیک را دنبال

می‌کند. این بیان در واقع تصریح‌کننده‌ی ارتباط متقابل انسان و تکنولوژی است که از یکسو بر اشراف و کنترل انسان بر آن تاکید داشته و از سوی دیگر جامعه و جهان شمولی تکنولوژی را در جوامع به رخ میکشاند.

به هر حال توسعه‌ی رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی، ظهور جوامع شبکه‌ای، رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تکنولوژی مخابراتی بیانگر ظهور جغرافیای جدیدی است که تغییرات تحولات آن ناشی از رسانه‌های نوظهور، با جهان مدرن همخوانی و تناسب بیشتری دارند.

رسانه‌ها که در ابتدا به عنوان ابزاری ساده برای انتقال معانی مطرح بودند، بدان جا رسیده‌اند که در عصر حاضر با تأسیس شاه‌راه‌های اطلاعاتی، کل حیات انسان را متحول کرده و معانی تازه‌ای را در سرنوشت سیاسی پدید آورده‌اند. بنابراین در این نوشتار، از رسانه و فناوری‌های نوین ارتباطی با نگرش ژئوپلیتیکی به عنوان مهمترین مولفه‌های قدرت در صحنه روابط بین‌الملل و نقش مهمی که در میزان همراه‌سازی دیگران در تحقق اهداف و منافع ملی کشورها دارند، مورد توجه جدی قرار گرفته، که با تأمل در متون رسانه‌های غربی، آشکار می‌کند آنان با بهره‌گیری از ساز و کارهای روانشناختی جامعه‌شناختی و سیاسی، در پی آن هستند تا فرهنگ، روابط و نهادهای اجتماعی، احساس دلبستگی و انسجام ملی، وحدت سیاسی و مذهبی و جز آن را آماج فشار و تهدید قرار دهند و زمینه تغییر نگرش و رفتار و فروپاشی از درون را در بسیاری از کشورها و بویژه به زعم آنها کشورهای غیر لیبرال را از طریق رسانه‌ها فراهم کنند. پیداست چنین اقدامی، موجب زوال نظام‌های فرهنگی و سیاسی ملت‌های هدف می‌شود. به همین سبب، لازم است این موضوع به دقت مورد کاوش قرار گیرد و برای مدیریت هوشمندانه و دامنه‌تأثیر رسانه‌های ارتباطی، مورد بحث و تحلیل واقع شود.



فصل اول

کلیات



## ژئوپلیتیک

تولد ژئوپلیتیک با ظهور جغرافیا پیوند دقیق و نزدیکی دارد. جغرافیا در مفهوم عام خود رشته ای قدیمی است با پیشینه ۲۵۰۰ ساله که همواره به مزاج و مذاق شاهان، فرماندهان نظامی، کاشفان یا تجار که تشنه اکتشافات افق‌ها و سرزمین‌های جدیدی بودند خوش می‌آمده است .

اصطلاح ژئوپلیتیک نخستین بار توسط رودلف کلین<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۹ میلادی وضع شد . وی ژئوپلیتیک را علمی که به تبیین دولت به مثابه سازمانی جغرافیایی یا پدیده‌های فضایی می‌پردازد تعریف می‌کرد . این واژه از زمان وضع آن دچار شناوری بوده و نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار شود . لذا در تعارضی که تاکنون از ژئوپلیتیک به عمل آمده است غلبه با آنهایی بوده که سعی داشته‌اند از آن به عنوان دانش رابطه یک سویه و جبری تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند. بنابراین ژئوپلیتیک از با اهمیت ترین مفاهیمی است که امروزه در روابط و سیاست بین الملل مطرح می‌باشد و از دو واژه ژئو. (*Geo*) به معنای زمین یا مکان و پولیتیک (*Politics*) به مفهوم سیاست تشکیل یافته و در زبان فارسی به علم «سیاست جغرافیایی» یا تاثیر جغرافیایی سیاست و رفتار سیاسی، ترجمه و

---

۱. (*Rudolph Klein*) جغرافیدان سیاسی سوئدی

تعبیر می‌شود.

ژئوپلیتیک شاخه ای از جغرافیای سیاسی است و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق می‌گردد که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود. گاهی نیز به دانشی گفته شده که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در سیاست ملل بررسی می‌کند، و گاهی هم ژئوپلیتیک عبارت است از هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیب هایی در سطوح مختلف منطقه ای و جهانی، در راستای تامین امنیت، جهت حفظ و گسترش منافع ملی که در این صورت ژئوپلیتیک بیشتر نگاهی فراملیتی دارد.<sup>۱</sup>

اهمیت و تاثیری که ژئوپلیتیک در دنیای معاصر پیدا کرده و نقش منحصر به فردی که در تعیین سرنوشت و نظم جهانی به دست آورده است ضرورت توجه به توسعه و ترویج این علم را در بین جامعه ی نخبگان هر کشوری روشن می‌سازد.

عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک از نظر تاریخی همواره نقش محرک و ترغیب کننده ای برای سیاستمداران، فرمانروایان و راهبرپردازان داشته است، کشورهای مختلف دنیا با بهره گیری از ظرفیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی خود، سعی در حفظ ثبات و ارتقاء جایگاه خود در مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی دارند. اتخاذ چنین رویکردهایی در سیاست خارجی همواره موجب تقابل و تعارض کشورهای یک منطقه می‌شود و دلیل آن برداشت‌های متفاوتی است که بازیگران منطقه ای از امنیت و منافع داشته باشند.

در واقع ژئوپلیتیک یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد شده که به لحاظ کارکردی ماهیت‌های متفاوتی در طول یک قرن اخیر داشته است، به طوری که گاه در خدمت صلح و گاهی در خدمت جنگ بوده و گاهی نیز منطقه بندی جهانی

۱. رجوع کنید به کتاب ایده‌های ایدئولوژیک و واقعیت‌های ایران اثر دکتر فیروز مجتهدزاده، نشر نی صفحه ۲۳

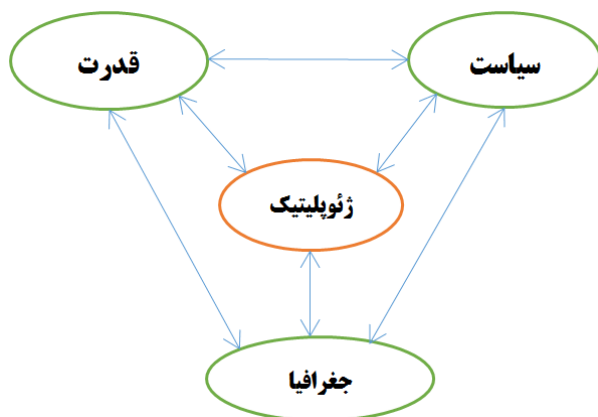
را به دنبال داشته و باعث تقسیم بندی جهانی بر اساس مناطق جغرافیایی شده و به دنبال آن سازماندهی فضا را، در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای را فراهم آورده است.

اما اهمیت خاص این نوشتار در آن است که اگر چه امروزه کشورهای قدرتمند جهانی با پشتوانه توانمندی‌های نظامی و لجستیکی دارای برتری هستند اما همین توان قدرت نظامی که مشخصه‌ی بارز توانمندی و اقتدار یک کشور به حساب می‌آید امروزه در سایه توانایی علمی و فناورانه به منصفه ظهور می‌رسد که نقش موثر اطلاعات و تاثیر ژئوپلیتیکی بر آن به خوبی قابل ملاحظه است. باید بیان کرد که توان سیاسی قدرت‌های بزرگ جهان با تکیه بر منابع قدرت اطلاعاتی از نفوذ بیشتری در عرصه‌ی جهانی برخوردار شده است.

ارتباط تعاملی که میان ژئوپلیتیک و اطلاعات به وجود آمده، به مطالعه‌ی وضعیت توزیع اطلاعات در مناطق متعدد جهان، ارتباط عوامل اثربخشی در روابط اطلاعاتی، تاثیر قطب‌های اطلاعاتی بر روابط بین الملل و نیز نقش موثر ارتباطات اطلاعاتی در عرصه جهانی نظر دارد. علاوه بر آن اطلاعات و منابع عمده آن در دنیای معاصر نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد توازن سیاسی و اجتماعی بر عهده دارند. امروزه اطلاعات در مجرای رسانه اثربخشی یافته و در زمینه‌های متعدد سیاسی و اجتماعی با نفوذ بالایی وارد شده است. کشورهای قدرتمند توانسته‌اند با بهره‌گیری از رسانه و ابزارهای متعدد آن، با تعامل گسترده در سطح بین الملل به نحوی اثربخش ظاهر شده و با تکیه بر امکانات فناورانه به پوشش رویدادهای روز، اخبار و ... پردازند.

از منظر دکتر محمدرضا حافظ نیا ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل عناصر جغرافیا، سیاست و قدرت و کنش‌ها و نتایج ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر<sup>۱</sup>.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک اثر محمد رضا حافظ نیا انتشارات پاپلی



ژئوپلیتیک از منظر حافظ نیا (۱۳۹۶: ۴۹)

در این تعریف عنصر جغرافیا در سه حوزه‌ی فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه‌ی ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر است. عنصر قدرت نیز در هر سطحی و در هر بعدی، چه از نظر تولید، چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوی پخش و رده بندی، به نحوی از عناصر دیگر، یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تاثیر می‌گذارد. بنابراین متغیرها، پدیده‌ها و موضوعات ژئوپلیتیک نیز حاصل تاثیرات متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست هستند.

### رویکردهای ژئوپلیتیکی رسانه

اغلب کارشناسان قدرت را به دوشاخه‌ی قدرت نرم و قدرت سخت تقسیم می‌کند. برای مثال پیتر تیلمور<sup>۱</sup> و کالین فلینت<sup>۲</sup>، قدرت را توانایی کسب پیروزی

1. Peter Taylor

2. Colin Flint

در یک منازعه چه به صورت کاربرد آشکار زور یا تهدید به زور، و چه به صورت نهایی و از طریق عدم تصمیم گیری یا مزیت‌های ساختاری تعریف کرده‌اند. برخلاف قدرت سخت که متوجه ایجاد تبعیت از راه اعمال خشونت و جباریت است، قدرت نرم مبتنی بر ایجاد تبعیت از راه نمایش حقانیت ناشی از جذابیت است. از بین صاحب نظران جوزوف نای<sup>۱</sup> از پیشگامان اصلی طرح قدرت نرم به شمار می‌آید که کتب و مقالات متعددی از جمله کتاب "قدرت نرم" را نگاشته است. وی قدرت نرم را شیوهی غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوهی غیر مستقیم رسیدن به نتیجه مطلوب، چهره دوم قدرت است. بر این اساس یک کشور می‌تواند به مقاصد مد نظر خود در سیاست جهانی نائل آید، چون کشورهای دیگر ارزش‌های آن را می‌پذیرند، از آن تبعیت می‌کنند، تحت تاثیر پیشرفت و آزاد اندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. بنابراین این نوع از قدرت، توانایی کسب آنچه می‌خواهید از طریق جذب کردن دارد، نه از طریق اجبار.

از این زمان به بعد فضای جغرافیا هرچه بیشتر ماهیت نظری پیدا کرد و از طرز تفکر ساختارها و نهادهای سیاسی و حکومتی بویژه رسانه‌ها متأثر شد. به طوری که در مکاتب نظری مختلف، تفسیرهای متفاوتی از فضاها و چگونگی بهینه سازی آن ارائه شده است. علل ظهور و تغییرات فضایی مکانی از افزایش قیاسات مکانی فضایی به کمک ابزارهای ارتباطی و از جمله رسانه‌ها ناشی می‌شود، بنابراین فرهنگ سازی بر اساس عملکرد رسانه کاملاً واقعی و عینی است و در تمام ابعاد فضا تاثیر بسزایی دارد. لذا امروزه بخشی از تغییرات فضایی به دلیل اطلاع یابی سریع از تحولات به کمک ابزارهای ارتباطی و رسانه هاست در این راستا الوین تافلر<sup>۲</sup> تمدن بشری را شامل سه مرحله‌ی کشاورزی،

1. Josef Nay

۲. Alvin Toffler نویسنده آمریکایی (۲۰۱۶ - ۱۹۲۸)

صنعت و فراصنعت یا عصر ارتباطات می‌داند و معتقد است در عصر فرا صنعتی، قدرت در دست کسانی است که بر شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی تسلط دارند. مارشال مک لوهان<sup>۱</sup> دانشمند کانادایی نیز در نظریه‌ی دیگری تاریخ بشر را به سه دوره‌ی: عصر فرهنگ شفاهی، عصر تمدن چاپی و عصر تمدن الکترونیک تقسیم می‌کند و می‌گوید: در عصر الکترونیک قدرت در دست صاحبان شبکه‌های تلویزیونی، شبکه‌های کامپیوتری و ماهواره‌ها است.<sup>۲</sup>

رسانه از مظاهر تمدن جدید و کارکرد اصلی آن بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان است. زیرا غالباً دانش و شناخت افراد از جهان به وسیله‌ی رسانه‌ها شکل می‌گیرد، و به عبارت بهتر امروزه نقد نمایش واقعیت بر محور قدرت رسانه‌هاست.

آغاز دگرگونی در نظام جهانی قرن بیستم توأم با نشانه‌هایی از پایان گرفتن دوران مدرن و آغاز دوران پست مدرن در قرن بیست و یکم است.

فرآیندهای جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تجزیه‌ی ژئوپلیتیکی به صورت چالش‌های نوین برای ژئوپلیتیک ظاهر شده‌اند. برتری حکومت ملی (در پیوستگی با سیستم بین‌المللی) به چالش کشیده شده و نقش و کارکرد دولت‌ها به عنوان نهادها و الگوهای دولتی به دنبال یک سلسله توسعه‌ها متحول شده است. رشد سازمان‌ها، آژانس‌ها و شرکت‌های چند ملیتی، توانایی دولت را برای تنظیم و تقویت قوانین به چالش کشانده است. نخبگان دولتی و مدیران اقتصادی مجبور به اجرای برنامه‌هایی شده‌اند که با نیازهای بازارهای پولی بین‌المللی، تعهدات بین‌المللی و جریان سرمایه‌سازگار باشد.

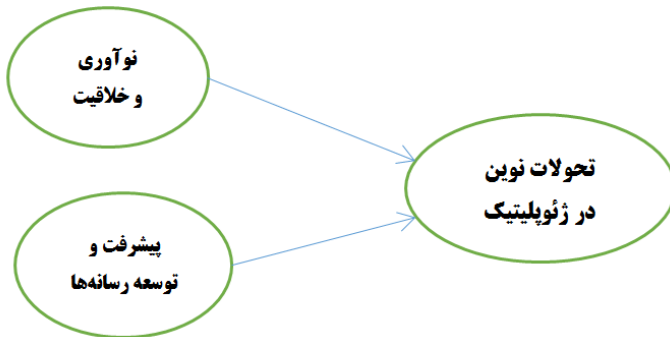
۱. *Marshal McLuhan* اندیشمند کانادایی (۱۹۸۰-۱۹۱۱)

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب جریان بین‌المللی اطلاعات، اثر حمید مولانا، ترجمه یونس شکرخواه، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها



بنابراین مباحث ژئوپلیتیک در دوران نوین، در پرتو سه چالش اصلی تغییر شکل میدهند: نخست «جهانی شدن های اقتصاد»، دوم «انقلاب اطلاع رسانی» و سوم «خطرات امنیتی جامعه ی جهان». اثرگذاری این عوامل در نقش آفرینی سیاسی انسان، در محیط جهانی شکل می گیرد.

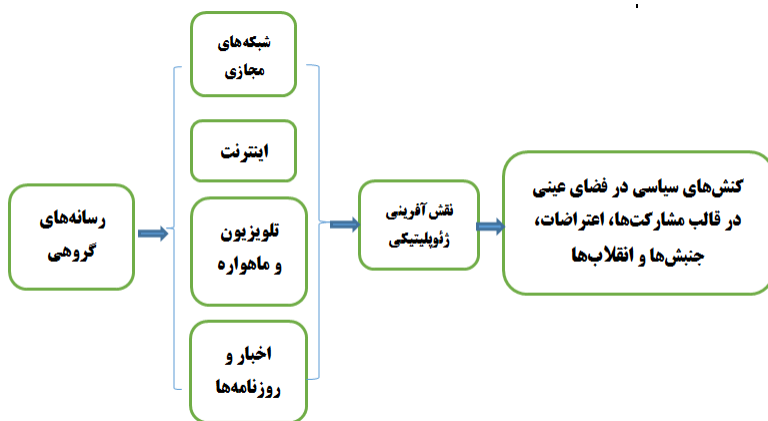
بنابراین ژئوپلیتیک پست مدرن در بستر مدرنیته ی پیشرفته ایجاد شده است و مبنای این نوع ژئوپلیتیک نوین، نوآوری و خلاقیت افراد و نهادهای ساکن از یکسو، و توسعه، پیشرفت و قدرت نوظهور رسانه ها از سوی دیگر، فضای ژئوپلیتیک را متحول ساخته است.



به موازات پیچیده تر شدن ساخت اجتماعی جوامع و تنوع حوزه های قدرت، رسانه ها از نوعی ابزار ساده پیام رسانی به ابزار سیاسی قدرت، ماهیت خود را تغییر داده اند به گونه ای که در کنترل کنش ها و مناسبات اجتماعی، مؤلفه ای جدید از قدرت سیاسی به شمار می آیند. آنها واژگان، نمادها و اصطلاح هایی را می آفرینند تا مردم و گروه های اجتماعی را به سمت الگوهای فکری خاص و مسیرهایی که برایشان در نظر گرفته شده، هدایت کنند.

برداشت ها و کنش های روزانه ی مردم، تابع کارکرد و اهداف گردانندگان رسانه های گروهی یا نخبگان ژئوپلیتیک خاص و عام است که منتج به طراحی

و عملیاتی شدن سیاست‌های داخلی و خارجی می‌شوند. لذا پیشرفت فناوری‌های رسانه ای و ارتباطی موجب آگاهی جوامع نسبت به تحولات رخ داده در عرصه سیاست شده است.



فرایند تاثیر رسانه‌ها بر کنش‌های سیاسی از منظر ژئوپلیتیک

منبع: (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۹)

## ژئوپلیتیک کلاسیک

اساساً منافع ملی کشورها در قرن میلادی که قرنی پیچیده و در هم تنیده است و چرخه ای عظیم از نا آرامی‌های جغرافیایی در آن موج می‌زند، روند متفاوتی نسبت به ادوار گذشته طی می‌کند و منافع ملی کشورها، بر اساس زنجیره ای از نیازهای ثابت و متغیر داخلی و روابط منطقه ای و بین المللی که آن هم بسیار دگرگون شده، تعرف و طراحی می‌شود. یکی از دلایل اصلی این تغییر رویکرد، پیشرفت‌های تکنولوژیک در جهان است که در برخی از حوزه‌ها آنقدر توسعه‌ی سریع و گسترده داشته که در واقع خارج از تصور بشر بوده است. شاید به جرأت بتوان گفت که پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، سرآمد بسیاری از شاخه‌های فنی و صنعتی بوده است

و روند شتاب آلود آن همچنان ادامه دارد. برای نمونه، استفاده از محیط‌های هوا و فضا در این قرن، به میزان چشمگیری جهان استراتژیک عصر حاضر را پیچیده کرده و بیشتر جغرافیدانان می‌دانند که روند موجود تا چه اندازه مرزهای زمینی و سیم خاردار کشیده شده در آن را بی اثر کرده است. ژئوپلیتیک از زمان پیدایش تا کنون، در چهار بعد خود را نشان داده است: ژئوپلیتیک سنتی، ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئوپلیتیک مدرن، ژئوپلیتیک پست مدرن. و اینکه بعد پنجم آن در سه حوزه به طور همزمان در دستور کار قرار دارد: یعنی ژئوپلیتیک مکان، ژئوپلیتیک زمان و ژئوپلیتیک اطلاعات که مصداق‌های آن را در پانزده سال گذشته در نوع برخوردهای بین‌المللی شاهد بوده ایم. در دوره ژئوپلیتیک کلاسیک دو جریان فکری بروز کردند که در ماهیت و طبیعت خود ژئوپلیتیک بودند.

- جریان فکری دیگر، بیشتر بر مبنای حقایق جغرافیایی و سیاست‌های متأثر از شرایط جغرافیایی بود که اغلب ژئواستراتژی خوانده می‌شد. نظریه‌های قدرت دریایی (ماهان)<sup>۱</sup>، محور جغرافیایی تاریخ (مکیندر)<sup>۲</sup> و نظریه‌ی ریملند (اسپایکمن)<sup>۳</sup> مربوط به این جریان فکری بودند.

لذا در ژئوپلیتیک کلاسیک با نظریه‌های متعددی که هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاص را ارائه داده است، بر تفسیر و برداشت از قدرت و کنترل جهان تأثیر گذاشتند.

آلفرد تایر ماهان در سال ۱۸۹۰ با انتشار کتاب «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ ۱۷۸۳ - ۱۶۶۰»، نظریه‌ی قدرت دریایی را ارائه نمود. وی سعی داشته تا تاریخ عمومی اروپا و ایالات متحده را با اشاره خاص و ویژه به قدرت دریایی به عنوان

1. Alferd Thayler Mahan

2. Halferd John Mackinder

3. Nicholas John Spikeman

عامل تاثیرگذار مورد بررسی و تحقیق قرار دهد، و ادعا می کند که استفاده از دریا و کنترل بر آن یکی از عوامل مهم در تاریخ جهان بوده است.

چند سال بعد فریدریک راتزل<sup>۱</sup>، تحت تاثیر داروینیسیم اجتماعی نظریه «کشور به مثابه یک موجود زنده» را ارائه داد. وی با بیان اینکه ما در کشور با یک ماهیت ارگانیک سروکار داریم، کشور را به موجود زنده ای تشبیه می کند که برای تغذیه خود نیازمند میزان خاصی از سرزمین است. و لذا از نظر وی کشور باید با تسلط بر سرزمین های کوچکتر حوزه سرزمینی خود را توسعه دهد و در جریان توسعه ی سرزمینی به موقعیت های ارزشمند سیاسی دست یابد. در واقع تا پایان قرن نوزدهم نیروی دریایی، قدرت برتر به شمار می رفت و اعتقاد بر این بود که هرکس که بر امواج حکومت کند بر جهان حاکم است. اما با ظهور راه آهن، و انتقال سریع ارتش و امکانات نظامی به میدان جنگ، مکیندر با اشاره به بخش عمده ای از اروپای شرقی به عنوان منطقه محوری، نام «هارتلند» را بر این رویکرد جدید گذاشت که بر این اساس سایر قسمت های اوراسیا را «هلال داخلی» می دانست و یک «هلال خارجی» را نیز مشخص کرد که مناطق جنوبی صحرای آفریقا، استرالیا، انگلستان، ژاپن، مجمع الجزایر اندونزی و قاره آمریکا را دربر می گرفت، اروپا، آسیا و آفریقا نیز به جزیره جهانی موسوم گردیدند.

اما نیکلاس جان اسپایکمن آمریکایی، در سال ۱۹۴۳ نظریه مکیندر را مورد مطالعه قرار داده و در کتاب «جغرافیای صلح»، نظریه جدید «ریملند» را ارائه داد، که این نظریه در واقع بازتابی از دیدگاه قدرت دریایی ماهان، و نقطه مقابل مفهوم برتری هارتلند مکیندر بود. او هم مانند ماهان به قدرت دریایی اهمیت می داد و هم به قدرت خشکی مکیندر اعتقاد داشت.

برخلاف مکیندر بیشتر بر روی نقش مهمی که کشورهای اطراف هارتلند بر

---

1. Friedrich Ratzel